

واکاوی عوامل موفقیت افراد سرآمد در آزمون سراسری^۱

Exploring the Key Success Factors of Top People in the University Entrance Exam

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۲/۱۲، تاریخ ارزیابی: ۱۳۹۶/۷/۲۸، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۱/۱۵

Reza Sajadi, Dr. Norowz Karamdoost,
Dr. Kamal Dorrani, Dr. Keyvan Salehi,
Dr. Ali Moghaddamzadeh

رضا سجادی^۲، دکتر نوروز علی کرمدوست^۳، دکتر کمال
درانی^۴، دکتر کیوان صالحی^۵، دکتر علی مقدمزاده^۶

Abstract: Identifying the effective factors in the success of top people, and trying to take advantage of them, is one of the most important strategies for success. The lack of an in-depth study in representing the success factors of top students at the university entrance exam motivated the researchers to conduct the present study. The data were collected through a qualitative approach and a deep semi-structured interview with the elective students of university entrance exam, which were selected by the extreme case sampling. After 12 interviews, theoretical saturation was analyzed and data analysis was performed based on a seven-stage Collizzi. The deep analysis of the participants' experience of life has resulted in the classification of seven main themes (main success factors). The results were presented to the participating professors and confirmed after successive studies. The findings indicated that the identified seven factors played a major role in achieving top rank in the university entrance exam. These factors include self-motivation, ambition, purposefulness, speed, learning strategies, learning environment and family features.

Keyword: success factors, premier students, university entrance exam, qualitative research method.

چکیده: شناسایی عوامل مؤثر در موفقیت افراد سرآمد، و تلاش برای بهره گیری از آن، از مهمترین راهبردهای موفقیت به شمار می‌رود. فقدان مطالعه‌ای ژرفانگر در بازنمایی عوامل موفقیت رتبه‌های برتر آزمون سراسری، باعث شد تا در مطالعه حاضر، عوامل مؤثر در موفقیت نرات برتر آزمون سراسری، مورد واکاوی قرار گیرد. بدین‌منظور با بهره‌گیری از رویکردی کیفی، و مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته با برگزیدگان برتر آزمون سراسری که به روش نمونه‌گیری موارد کرانه‌ای انتخاب شدند، داده‌ها گردآوری گردید. پس از ۱۲ مصاحبه، اشباع نظری حاصل و بر اساس راهبرد هفت مرحله‌ای کلایزی تحلیل شد. تحلیل عمیق تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان، به دسته‌بندی ۷ مضمون اصلی (عوامل اصلی موفقیت) منتج گردید. نتایج به‌دست آمده به اساتید شرکت کننده ارائه و پس از بررسی‌های متوالی مورد تأیید واقع شد. یافته‌ها حاکی از آن است که هفت عامل خودانگیختگی، موفقیت‌طلبی، هدفمندی، سرعت عمل، راهبردهای یادگیری، محیط آموزشی، و ویژگی‌های خانوادگی در کسب رتبه برتر در آزمون سراسری نقش اصلی را ایفا نموده‌اند.

کلمات کلیدی: عوامل موفقیت، نرات برتر کنکور، آزمون سراسری، روش تحقیق کیفی

^۱ مقاله حاضر نتیجه پایان نامه کارشناسی ارشد رضا سجادی در رشته تحقیقات آموزشی از دانشگاه تهران می باشد.

^۲ دانشجوی دکتری رشته برنامه ریزی درسی دانشگاه شهید بهشتی، r_sajadi@sbu.ac.ir

^۳ استادیار دانشگاه تهران، عضو هیأت علمی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، nkaram@ut.ac.ir

^۴ استاد دانشگاه تهران، عضو هیأت علمی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، kdorrani@ut.ac.ir

^۵ نویسنده مسئول مکاتبات، استادیار دانشگاه تهران، عضو هیأت علمی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی،

keyvansalehi@ut.ac.ir

^۶ استادیار دانشگاه تهران، عضو هیأت علمی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی amoghadamzadeh@ut.ac.ir

مقدمه

همه ساله بخش قابل توجهی از دانش‌آموزان کشور که سرمایه‌های اصلی و پایدار هر کشوری محسوب می‌شوند، به امید کسب افق‌های روشن در زندگی حرفه‌ای و کمک به توسعه فردی و ایفای نقش سازنده در جامعه، در آزمون سراسری شرکت می‌نمایند. کسانی که قصد شرکت در آزمون سراسری را دارند، برای موفقیت می‌خواهند از نظرات افراد مجرب و کارشناس بهره‌جویند. از آنجایی که افراد زیادی سعی دارند از این بازار برای خود سود مالی کسب کنند، بنابراین مشاهده می‌کنیم که این افراد از طریق تلویزیون، مجله، کلاس‌های حضوری و... به داوطلبان مشاوره می‌دهند و نسخه‌های متعددی برای آنها می‌پیچند. هرچند اکثر این نظرات صحیح هستند اما کثرت آن باعث سردرگمی داوطلبان شده و از طرفی هزینه‌هایی را به داوطلبان تحمیل می‌کنند؛ همچنین ممکن است داوطلبان فکر کنند بسیاری از این راه‌حل‌ها رویایی و آرمانی هستند و دستیابی به آنها شدنی نیست یا اینکه بدلیل عدم دسترسی و بهره‌گیری از تجارب افراد موفق در این حوزه و مواجه شدن با شکست‌های احتمالی، با سرخوردگی‌هایی همراه شده و مسیر زندگی‌شان با تلاطم و چالش‌های نامناسبی همراه شود.

از سوی دیگر، پرواضح است که طبق کنوانسیون‌های حقوق بشری و به‌ویژه مولفه‌های اساسی سنجش منصفانه^۱، دسترسی همه داوطلبان در آزمون به اطلاعات و به‌ویژه تجارب موفق (استوبارت^۲، ۲۰۰۵؛ هامپ‌لیونس^۳، ۲۰۰۱؛ سوسکیا^۴، ۲۰۰۰)، از وظایف سازمان‌های مجری آزمون به‌شمار می‌رود. در حال حاضر، اغلب اطلاعات مورد نیاز دانش‌آموزان از طریق مشاوران تحصیلی و موسسات مرتبط با آزمون سراسری تامین می‌شود که بعضاً در این راه علاوه بر اعمال سلیقه‌های فردی و اخذ هزینه‌های گزاف، به دلیل در دسترس نبودن اطلاعات و تجارب نفرات برتر آزمون سراسری برای همگان، زمینه هزینه‌های بسیار و سوءاستفاده و تضييع حقوق دانش‌آموزان و خانواده‌های ایشان را فراهم آورده است. این در حالی است که به سادگی می‌توان مبتنی بر استفاده از خرد جمعی و بر پایه تجربه‌زیسته نفرات برتر آزمون سراسری، هزینه‌های ناشی از اعمال سلیقه و تحمیل هزینه‌های احتمالی را به حداقل رسانید. پژوهش حاضر از این جهت حائز اهمیت است که اولاً هزینه‌ای را متحمل داوطلبان نمی‌سازد، ثانیاً از آنجایی که عده‌ای این راه را پیموده‌اند، نشان دهنده این است که مسیر آنها کاملاً دست‌یافتنی، ملموس و عملی است و راه‌حل‌های ارائه شده به هیچ وجه رویایی و دور از ذهن نیست، ثالثاً از آنجایی که نفرات برتر آزمون سراسری از نظرات متعددی استفاده کرده‌اند و از عصاره آنها، یک مسیر مناسب و اثربخش را انتخاب نموده‌اند، باعث خروج بقیه داوطلبان از سردرگمی می‌شود. در یک نگاه

¹ Fair assessment

² Stobart

³ Hamp-Lyons

⁴ Suskie

واکاوی عوامل موفقیت افراد سرآمد در آزمون سراسری

سطحی این‌طور به نظر می‌رسد که تنها راه موفقیت در آزمون سراسری، مطالعه زیاد کتب درسی و کمک آموزشی باشد؛ نبود اطلاعات به روز و در دسترس برای همه داوطلبان، ضرورت تبیین عوامل موثر در موفقیت در کنکور سراسری را دوچندان نموده است. گستره پژوهش حاضر به طور عام موفقیت تحصیلی می‌باشد که از نتایج آن می‌توان برای موفقیت در تمام دوره‌های تحصیلی استفاده نمود، اما به جهت اینکه از نظرات موفق‌ترین افراد در زمینه تحصیل استفاده گردد، پژوهش در زمینه آزمون سراسری صورت گرفته و رتبه‌های برتر این آزمون به عنوان بهترین الگو انتخاب شده‌اند. از مهمترین ویژگی‌های پژوهش حاضر نیز واکاوی در تجارب زیسته رتبه‌های برتر آزمون سراسری می‌باشد که در هیچ یک از پژوهش‌های قبلی، مبتنی بر رویکردهای اکتشافی، مورد بررسی قرار نگرفته شده است.

آزمون سراسری یا مسابقه ورودی دانشگاه‌ها در کشور ما از سابقه‌ای طولانی برخوردار است. تاریخ برگزاری نخستین آزمون سراسری را سال ۱۳۱۷ ذکر کرده‌اند، زمانی که تعداد داوطلبان ورودی به بعضی از رشته‌های تحصیلی دانشگاهی مانند پزشکی، حقوق و مهندسی بیشتر از ظرفیت پذیرش این رشته‌ها در دانشگاه‌ها شد. تا این زمان، تعداد داوطلبان ورود به دانشگاه کمتر و یا به اندازه گنجایش دانشکده‌ها بود. از این رو، داوطلبان تحصیلات عالی بر اساس نوع دیپلم، علاقه و استعداد خود، رشته‌ای را انتخاب می‌کردند و بعد از ثبت نام به تحصیل می‌پرداختند. با افزایش تعداد دانش‌آموختگان دبیرستان‌ها و در نتیجه استقبال برای ادامه یادگیری و تحصیل، مسئولان دانشگاه‌ها در صدد برآمدند تا با برگزاری آزمون سراسری، مستعدترین داوطلبان را انتخاب کنند. بنابراین، آزمون سراسری وسیله‌ای برای گزینش دانشجو برای دانشگاه‌ها شد. تا سال ۱۳۳۷ دانشکده‌های مختلف بر اساس نوع رشته‌های تحصیلی و نیازهای خود با برگزاری آزمون سراسری اختصاصی از میان داوطلبان ورود به هر دانشکده، تعداد دانشجویان مورد نیاز را انتخاب می‌کردند. در سال ۱۳۴۲ بر اساس تصمیم شورای مرکزی دانشگاه‌ها، نخستین آزمون سراسری به روش سراسری برگزار شد که سؤالات آن نیز به روش تستی طراحی شده بود. به دلیل نامطلوب بودن نتیجه این آزمون سراسری از سال ۱۳۴۳ تا سال ۱۳۴۸ شیوه تستی (چهارگزینه‌ای) رها شد (حج فروش، ۱۳۸۱: ۸۳-۸۲). با تأسیس مرکز آزمون‌سازی و تصویب اساسنامه آن در سال ۱۳۴۷، آزمون سراسری برای اولین بار در سال ۱۳۴۸ به صورت سؤالات با پاسخ کوتاه و تصحیح و محاسبه دستی آغاز شد (نیک‌نژاد، ۱۳۸۱: ۳۴۲). ولی با توجه به مشکلاتی که از لحاظ اجرا و تصحیح اوراق در این آزمون پیش آمد و همچنین، پیوستن دانشگاه شیراز به آزمون سراسری در سال ۱۳۴۹ که از سؤالات چندگزینه‌ای و ماشین‌های الکترونیکی (IBM) برای تصحیح اوراق امتحانی استفاده می‌کرد، آزمون سراسری به مرحله جدیدی وارد شد؛ در این مرحله طرح سؤالات به صورت چهارگزینه‌ای و تصحیح اوراق و

استخراج نتایج به وسیله کامپیوتر رایج شد که این روش تا کنون ادامه داشته است (حج فروش، ۱۳۸۱: ۸۳).

موفقیت، برآیندی از توانایی‌های گوناگون افراد مانند توانایی‌های جمعی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی آنان از یک سو و عوامل برانگیزاننده مانند علاقه، پشتکار و پاداش از سوی دیگر است. افزودن بر این خود موفقیت نیز می‌تواند انگیزه‌ای مستقل برای موفقیت‌های بعدی فرد گردد یا به عبارت دیگر موفقیت، موفقیت به بار می‌آورد. در روان‌شناسی، موفقیت به پاسخ یا عملی گفته می‌شود که به گونه‌ای مستقیم به هدف برسد یا گام قطعی است که به جانب آن برداشته می‌شود (امیدی، ۱۳۸۲). ولی در تعلیم و تربیت و در موقعیت‌های تحصیلی "موفقیت" به درجه‌ای از کارایی اطلاق می‌شود که فرد، به فراخور توانایی‌هایش در پیشرفت‌های خود به رضایت شایسته برسد. (قاضی، ۱۳۷۳: ۱۹۲).

امروزه تحقیقات، نقش عوامل مختلفی را بر موفقیت تحصیلی فراگیران به اثبات رسانده است (گارتون، دیبر و کینگ^۱، ۲۰۰۱). از جمله این عوامل می‌توان به نگرش محیط خانواده، سواد پدر و مادر، شغل پدر، تعداد افراد خانواده، طبقه اجتماعی خانواده، وضعیت اقتصادی خانواده، نگرش محیط مرکز آموزشی (مانند کنش معلم و فراگیر، هوش فراگیر، جنسیت فراگیر، علاقه و انگیزه فراگیر، راهبردهای یادگیری و مطالعه) اشاره کرد.

انگیزه پیشرفت تحصیلی به عنوان یکی از انگیزه‌های پیشرفت، نیرویی درونی است که دانش‌آموزان را به ارزیابی همه جانبه خود با توجه عالی‌ترین معیارها، تلاش برای موفقیت در عملکرد و برخوردار از لذتی که با موفقیت در عملکرد همراه است، سوق می‌دهد. انگیزه پیشرفت تحصیلی یعنی اینکه فرد تمایل دارد کارش را در زمینه‌ای به خوبی انجام دهد و عملکردش را به طور خودجوش ارزیابی کند. سازه انگیزه پیشرفت تحصیلی در مدرسه، به رفتارهایی که به یادگیری و پیشرفت مربوط است اطلاق می‌شود. رویکردهای زیادی برای تعریف فرآیند انگیزه پیشرفت تحصیلی وجود دارد. بعضی از رویکردها به انگیزه‌های مرتبط به موفقیت به طور عام می‌پردازد و یا به عبارت دیگر، خودپنداره‌های فرد را به طور گسترده مد نظر قرار می‌دهد، مانند سازه عزت نفس. یکی از این رویکردها را می‌توان رویکرد هدف‌ها دانست. رویکرد هدف‌ها بر اساس انگیزه‌های سازگارانه و ناسازگارانه پدید می‌آیند (ایمز^۲، ۱۹۸۴، نقل در عابدی، ۱۳۸۰).

پژوهشگران، انگیزه پیشرفت تحصیلی را مربوط به دو طبقه اهداف می‌دانند که یکی از آنها، اهداف عملکردی و دیگری اهداف یادگیری نامیده می‌شود. در اولی؛ هدف، عملکرد و کفایت است که کودکان موفقیت‌ها را به عنوان ملاک کفایت خویش می‌دانند. در صورتی که در هدف

¹ Garton & Dyer & King

² Aimes

واکاوی عوامل موفقیت افراد سرآمد در آزمون سراسری

دوم؛ هدف، یادگیری و تسلط بر کفایت است، در این حالت افراد به دنبال هدف‌های دیگر هستند و در جستجوی تکالیف جدید و افزایش کفایت هستند. یادگیری و پیشرفت تحصیلی، از برخی شرایط و متغیرها تأثیر می‌پذیرد، که از جمله این متغیرها می‌توان به هوش و استعداد، انواع انگیزش، نگرش نسبت به موضوع یادگیری، مهارت و روش‌های مطالعه، شرایط و امکانات محیط آموزشی، ویژگی‌های شخصیتی و وضعیت خانوادگی اشاره کرد (عابدی، ۱۳۸۰). شوورس و کینسمان^۱ (۲۰۱۷) معتقدند زمینه خانوادگی تأثیر مستقیم بر روی ویژگی دانش‌آموزان و پس از آن تأثیر مستقیم بر موفقیت در دانشگاه دارد. دانش‌آموزانی که خانواده‌های آنان وضعیت اجتماعی بالاتر و پیشینه تحصیلی قوی‌تری دارند، احتمال موفقیتشان بیشتر است. با این حال، این عوامل فقط ۱۳ درصد از واریانس را تبیین می‌کند؛ بنابراین ممکن است متغیرهای دیگری نیز وجود داشته باشند که پیش‌بینی‌کننده‌های مهم موفقیت برای دانش‌آموزان باشد.

نتایج مطالعات بین و ییمان^۲ (۲۰۱۶) پیرامون عوامل کلیدی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان با استفاده از پرسشنامه نشان داد عوامل موفقیت در آزمون ورودی دانشگاه‌ها عبارتند از جنسیت، سطح تحصیلات والدین، شرکت در آزمون‌های آزمایشی و وضعیت یادگیری گروهی. در مقابل، جنسیت و سطح تحصیلات معلمان تأثیری بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان نداشته است. در نتیجه برای افزایش موفقیت دانش‌آموزان، نیاز به ترویج کار گروهی و تلاش برای اثربخشی آن وجود دارد. علاوه بر این، باید مدارس در حمایت از دانش‌آموزان دختر توجه بیشتری داشته باشند. استردیج^۳ (۲۰۰۹) در تحقیقی با عنوان تأثیر مدرسه بر تعهد و نگرش دانش‌آموزان نسبت به یادگیری دریافت، مدرسه به طور کلی و معلمان به طور خاص، به صورت منفی یا مثبت در دانش‌آموزان تأثیر دارند. این نتایج حاکی از آن است که هر دو گروه معلمان و مدیران مدرسه می‌توانند به بهبود توجه دانش‌آموزان کمک کنند. در حقیقت بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان از طریق ایجاد روابط مثبت و مؤثر با این دو گروه بوده و این حاکی از اثر عمیق آنان بر موفقیت یا شکست دانش‌آموزان می‌باشد. زیمپروچیمبک، چی‌پور، هنیش و مک‌گریگور^۴ (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای به بررسی روابط در مدرسه و مناسب بودن محیط مدرسه بر پیشرفت تحصیلی و مشارکت در جریان یادگیری پرداخت. مدرسه به عنوان محیطی در نظر گرفته شد که قدرت، آمادگی و شایستگی را در دانش‌آموزان رشد می‌دهد. با استفاده از روش معادلات ساختاری با نمونه آماری ۳۲۴ نفر از نوجوانان ۱۵ ساله که ۵۲٪ آنها دختر بودند، این تحقیق انجام شد. نتایج تحقیق نشان داد رابطه معلم-دانش‌آموز و روابط همسالان می‌تواند به

¹ Showers & Kinsman

² Beyene & Yimam

³ Estridge

⁴ -Zimmer, Gembeck, Chipuer, Hanisch & McGregor

طرز معناداری بر جو مدرسه تأثیر بگذارد و این منجر به مشارکت دانش آموز در یادگیری می شود و مشارکت دانش آموز به عنوان یک عامل واسطه ای بر پیشرفت تحصیلی اثرگذار است.

همچنین پاینده نجفآبادی و همکاران (۲۰۱۳) موفقیت تحصیلی دانشجویان فارغ التحصیل رشته آمار در دانشگاه شهید بهشتی را مورد مطالعه قرار داده اند. شش عامل مهمی که بر موفقیت تحصیلی دانشجویان بیشترین اثر را گذاشته اند به ترتیب عبارتند از آموزش- ارزیابی، نقش یادگیرنده، محیط، خانواده، برنامه درسی و آموزش دانش. وایس، تیا و سالدر^۱ (۲۰۰۷) دریافتند که وقتی رتبه دانش آموزان ۱۰ و یا کمتر از آن باشد بین روش تدریس و پیشرفت دانش آموزان تفاوت معنی داری وجود ندارد. در واقع پایین آمدن بیش از حد رتبه بر پیشرفت دانش آموزان تأثیر ندارد. فابون می و همکاران^۲ (۲۰۰۷) گزارش دادند که سه عامل درجه بندی، فضای کلاس و نسبت به کارگیری کلاس ها، عملکرد تحصیلی دانش آموزان متوسطه ایالت ایو بین سال های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۰ را در سطح معنی داری ۰/۰۵ تأیید می کنند. همچنین برای برنامه ریزان، سیاست گذاران و مجریان آموزش متوسطه نیز در سطح ۰/۰۵ معنی دار می باشد. فونسکا و کانوبی^۳ (۲۰۰۶) معتقدند که عدم موفقیت دانش آموزان متوسطه مربوط به کیفیت تدریس و نوع آمادگی دانش آموزان می باشد. انتظارات دبیران، والدین و مدیران بر موفقیت آنها تأثیر می گذارد.

کاپلاری^۴ (۲۰۰۴) به بررسی نوع دبیرستان و عملکرد تحصیلی و پیامدهای آن در محیط کار پرداخته است. نوع دبیرستانی که دانش آموزان تحصیل کرده اند، خاستگاه خانواده و عملکرد اولیه مدارس با هم مرتبطند. دانش آموزان دبیرستان های دولتی عملکرد تحصیلی بهتری دارند، ورود آنها به دانشگاه رو به افزایش است و عملکردشان در دانشگاه بهبود می یابد. از سوی دیگر دبیرستان های خصوصی و فنی عملکرد تحصیلی پایین تری دارند ولی دانش آموختگان دبیرستان های فنی از طریق شرکت در دوره های اشتغال عملکرد خود را بهبود می دهند. آنتونیو پانایوتیس^۵ (۲۰۱۲) نیز در یک پژوهش کمی، میزان تاثیرات کوتاه مدت و بلند مدت مدارس متوسطه بر موفقیت تحصیلی دانش آموزان را ۶۶ درصد برآورد کرد که این عدد نسبتاً بالا توصیف شده است. در پژوهش هایی دیگر، برایان و هیتر^۶ (۲۰۱۶) علت موفقیت در آزمون ورودی کالج های ایالت متحده بررسی کردند. به نظر آنها اکثر موفقیت یک دانش آموز در کالج (و زندگی برای آن موضوع) در خارج از جعبه مرتب نمرات و نمرات آزمون قرار دارد. تلاش های اخیر برای بررسی دانش آموزان در مورد این مهارت های "نرم" سرخ هایی را به دست آورده اند. تحقیقات

¹ -Wyss, Tia & Salder

² -Fabunmi & et.al

³ -Fonseca & Conboy

⁴ -Cappellari

⁵ Antoniou Panayiotis

⁶ Goodwin Bryan & Hein Heather

واکاوی عوامل موفقیت افراد سرآمد در آزمون سراسری

نشان داده است که عوامل غیرشناختی زیر در پیش‌بینی موفقیت دانش‌آموزان نقش دارند: (۱) نگرش و توانمندی (۲) خود رشته و عادات مطالعه و (۳) یادگیری فعال. اسکات^۱ (۲۰۰۴) بر این باور است که محیط خانواده امکان دستیابی به منابع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را فراهم می‌سازد؛ بدین صورت که والدینی که تحصیلات بالایی دارند، می‌توانند ارزش‌هایی را که شامل اهمیت یادگیری است به فرزندانشان منتقل سازند. در واقع، سطح تحصیلات والدین بر محیط فرهنگی که فرزندان در آن بزرگ می‌شوند، مؤثر است. یافته‌های مطالعات طولی اسکات نشان می‌دهد که اشتغال تمام‌وقت مادران در سنین اولیه فرزندان، به طور متوسط، تأثیر منفی بر موفقیت تحصیلی دارد. با این همه، اشتغال مادران در سنین بعدی فرزندان مفید است و نتایج مثبتی دارد. رود^۲ (۲۰۰۴) بر پایه نتایج حاصل از مطالعات خود، بیان می‌دارد که فراگیران در جو محیط مثبت و صمیمی، بهتر عمل می‌کنند. ولز^۳ (۱۹۹۵) بر این باور است که پیامدهای تحصیل در فرزندان که مادرانشان شاغلند و فرزندان که مادران آنها شاغل نیستند ممکن است به دو دلیل متفاوت باشد:

۱- تأثیر کلی اشتغال مادر بر موفقیت تحصیلی مشتمل بر تأثیرات مثبت و منفی است که ممکن است در نهایت، همدیگر را خنثی کنند. تأثیرات مثبت اشتغال مادر می‌تواند درآمد اضافی و کارکردی الگوی نقش آنها (به خصوص برای دختران) باشد، در حالی که تأثیرات منفی ممکن است شامل زمانی باشد که مادر دور از فرزندش است که به تعامل کمتر و نظارت اندک منجر می‌شود.

۲- اشتغال مادر فی‌نفسه تأثیر خاصی ندارد، بلکه ماهیت شغلی که او دارد ممکن است تأثیرات مثبت یا منفی بر تحصیل فرزند داشته‌باشد. کالمیجن^۴ نشان داد، اشتغال مادر تأثیرات منفی بر ارتقای تحصیلی دارد، اما تأثیر منفی ممکن است به وسیله داشتن مادری که شغل بامنزلیتی دارد، تعدیل شود. روشن است که یک شغل کم‌منزلیت قادر به تعدیل تأثیرات منفی اشتغال مادر نخواهد بود. پس، وقتی هر دو عامل در دامنه وسیعی از مشاغل در نظر گرفته شود، ممکن است چنین به نظر برسد که اشتغال مادر تأثیر اندکی بر موفقیت تحصیلی فرزند دارد یا تأثیری ندارد.

پایین بودن سطح تحصیلات پدر در تأخیر ورود جوانان طبقات کم درآمد به دانشگاه تأثیر داشته و ویژگی‌های دوران دبیرستان تأثیر محدودی داشته است (بوس و کارپنتر^۵، ۲۰۰۰).

¹ Scott

² Rood

³ Wells

⁴ Kalmijn

⁵ Borus & Carpenter

سبحانی نژاد و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی توصیفی عوامل مؤثر بر موفقیت دانش آموزان استان یزد در کسب رتبه نخست ورود به دانشگاه‌های کشور را در طی سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ بررسی نموده و در تحلیل رتبه‌بندی به ترتیب عوامل اجتماعی، مذهبی، اقتصادی، فردی، اقلیمی، آموزشی، خانوادگی و فرهنگی را در کسب رتبه نخست ورود به دانشگاه‌ها دخیل دانسته‌اند. نوغانی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش انجام گرفته از بین کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر دوره پیش‌دانشگاهی مدارس دولتی و غیردولتی شهر اصفهان که همگی داوطلب ورود به دانشگاه و متقاضی شرکت در آزمون سراسری سال ۱۳۸۹ بوده‌اند، به این نتیجه دست یافتند که متغیرهای سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی و پیشینه تحصیلی سهم معناداری در احتمال موفقیت داوطلبان آزمون سراسری ورود به دانشگاه داشته‌اند. همچنین نتایج بدست آمده از این پژوهش حاکی از عدم وجود رابطه معنادار بین متغیرهای رشته تحصیلی، جنسیت، نوع مدرسه، ناحیه، سال تولد و وضعیت تأهل با موفقیت داوطلبان آزمون سراسری ورود به دانشگاه می‌باشد. ابوالحسنی و اسمعیلی (۱۳۸۹) در پژوهش انجام داده بین ۱۵۰ نفر از داوطلبان آزمون سراسری سال ۱۳۸۷ که شامل ۵۰ نفر رتبه‌های برتر، ۵۰ نفر رتبه‌های متوسط و ۵۰ نفر نیز از پذیرفته‌نشده‌گان هر پنج گروه آزمایشی بوده‌اند، به این نتیجه رسیدند که گروه برتر، عوامل موفقیت خود را به عوامل فردی، گروه متوسط به ترکیبی از عوامل فردی و محیطی و گروه پذیرفته‌نشده‌گان به عوامل محیطی نسبت داده بودند. بنابراین وجه اختلاف سه گروه، تنها در این عامل معنادار بوده و سایر عوامل (خصوصیات شخصیتی، هوش هیجانی، تلاش، استعداد، هوش، توانایی حل مسئله، انگیزش تحصیلی، حمایت خانواده و دوستان، و آموزش خوب) به عنوان وجوه اشتراک استعاره‌ها در سه گروه مورد بررسی است. روان بخش و همکاران (۱۳۹۱) با هدف بررسی میزان و نحوه گذراندن اوقات فراغت ممتازین آزمون سراسری و راه‌نیافتگان به دانشگاه در استان یزد پژوهشی انجام داده و مشخص شد که دانش‌آموزان ممتاز در شبانه‌روز ۲ الی ۳ ساعت و دانش‌آموزان پذیرفته نشده بیشتر از ۳ ساعت اوقات فراغت دارند و به این ترتیب دانش‌آموزان پذیرفته نشده اوقات فراغت بیشتری داشته‌اند. بررسی‌ها نشان داد که تماشای برنامه‌های تلویزیون جزء اولویت اول تا دوم هر دو گروه دانش‌آموزان بوده است، گوش دادن به موسیقی جزء سه اولویت اول دانش‌آموزان پذیرفته نشده است، فعالیت‌های غیردرسی یکی دیگر از فعالیت‌های پرکننده اوقات فراغت دانش‌آموزان پذیرفته نشده است که سه اولویت انتخاب شده آنهاست. هم‌صحبتی با دوستان و اقوام در اولویت سوم دانش‌آموزان پذیرفته شده با رتبه بالا قرار دارد.

نوربخش و حائری (۱۳۹۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که آینده تحصیلی برای فرزند شخصی که از رده‌های بالای شغلی و تحصیلات عالی در جامعه برخوردار است بسیار روشن است و شانس بسیار بالایی برای ورود به دانشگاه دارد. زیرا اولین اعضای خانواده و

واکاوی عوامل موفقیت افراد سرآمد در آزمون سراسری

اطرافیان خود تحصیلات عالی را امری رایج و روزمره می‌داند اما فرزند یک کارگر شانس کمتری برای ورود به دانشگاه دارد. تأثیر وراثت فرهنگی چنان است که می‌تواند مالکیت انحصاری را در اختیار فرزندان قرار دهد و رابطه‌ای میان نظام آموزشی و نظام طبقاتی برقرار است. از بین داوطلبانی که والدین آنها از تحصیلات عالی برخوردار بودند نسبت به دیگر داوطلبان، محیط خانواده و محیط اجتماعی ویژه‌ای را برای داوطلب ایجاد نمودند که متمایز با دیگران بوده است، مهمترین آنها وجوه فرهنگی بیشتر از وجوه اجتماعی و اقتصادی است. در این خانواده‌ها فرهنگ به طور طبیعی و خود به خودی از طریق خانواده به فرزندان انتقال می‌یابد، بدین معنا که ابزار فرهنگی مانند کتابخانه، لوازم صوتی، تصویری و کامپیوتر در محیط زیست کودکان متعلق به خانواده تحصیلمکرده فراوان‌تر و ارزان‌تر در اختیار آنان قرار می‌گیرد، این در حالی است که در کودکان خانواده‌های فقیر و غیرفرهنگی، دستیابی به فرهنگ تنها از طریق مدرسه است و باز این امتیازی است که دستیابی و موفقیت فرزندان خانواده‌های تحصیل کرده را به رشته‌های ممتاز آسان می‌سازد.

بنابراین دغدغه اصلی پژوهش حاضر شناسایی عوامل عمده موفقیت نفرت برتر آزمون سراسری به منظور بازنمایی راه‌حل‌های عملی و دست‌یافتنی برای موفقیت در آزمون سراسری است؛ راه‌حلهایی که قبلاً به‌خوبی توسط افرادی پیموده و آزموده شده و نتیجه مطلوب حاصل شده باشد. بدین ترتیب بقیه داوطلبانی که قصد شرکت در آزمون سراسری را دارند با اطمینان خاطر بیشتری می‌توانند از این راه‌حل استفاده کنند. بنابراین تحلیل ادراک و تجربه زیسته نفرت برتر آزمون سراسری در خصوص عوامل موفقیت‌شان می‌تواند برای دانش‌آموزان مفید واقع شود. ذکر این نکته ضروری است که منظور از نفرت برتر، رتبه‌های ۱ تا ۱۰ در هر گروه آزمایشی (ریاضی - فیزیک، علوم تجربی، علوم انسانی، زبان و هنر) می‌باشد. حال که از میان بیش از یک میلیون داوطلب تنها عده‌ای توانسته‌اند رتبه‌های تک رقمی در هر گروه آزمایشی را کسب نمایند، با توجه به آنچه که اشاره شد این سؤال اساسی مطرح می‌شود که چه عواملی در این موفقیت نقش داشته‌است؟

مروری بر پژوهش‌های انجام شده و بررسی شواهد میدانی نشانگر اهمیت توجه به تجارب افراد سرآمد در حوزه تحصیلی می‌باشد. با توجه به فقدان مطالعه‌ای ژرفانگر در خصوص احصاء عوامل موفقیت رتبه‌های برتر و تعدد مطالعات کمی‌نگر در این حوزه، در این پژوهش تلاش گردید تا با استفاده از رویکردهای اکتشافی و تحلیل ادراک و تجارب زیسته رتبه‌های برتر آزمون سراسری، عوامل موفقیت شناسایی شده و در قالب خوشه‌های معنایی بازنمایی گردد.

روش

پژوهش حاضر مبتنی بر رویکردهای کیفی انجام شده است. به طور کلی تحقیق کیفی با داده‌هایی سر و کار دارد که واقعیت‌های مورد مطالعه را به صورت کلامی، تصویری یا امثال آن نمایان کرده و مورد تحلیل قرار می‌دهد (بازرگان، ۱۳۸۹). پژوهش حاضر نیز با بهره‌گیری از تجربه زیسته نفرات برتر آزمون سراسری، پدیده موفقیت تحصیلی را از منظر آنان مورد واکاوی قرار داده است. در واقع، افرادی که خودشان موفقیت را تجربه کرده‌اند، دیدگاه‌های خود را در رابطه با عوامل دستیابی به موفقیتشان بیان نموده‌اند. مشارکت‌کنندگان شامل نفرات برتر هر یک از گروه‌های آزمایشی بوده است. بعد از مصاحبه با ۱۲ نفر از این افراد، داده‌ها به اشباع رسیده و مصاحبه‌ها متوقف گردید. بدین‌منظور با بهره‌گیری از رویکردی کیفی، و مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته با برگزیدگان برتر آزمون سراسری که به روش نمونه‌گیری موارد کرانه‌ای، انتخاب شدند، داده‌ها گردآوری گردید.

جدول ۱: ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش

شهر	معدل دیپلم	جنسیت	دانشگاه	رشته قبولی	نمره کل	رتبه کشوری	نوع دیپلم	گروه آزمایشی
تهران	۱۹/۸۱	مرد	دانشگاه تهران	حقوق	۱۲۹۱۶	۱	ریاضی- فیزیک	علوم انسانی
تهران	۱۹/۵۸	زن	دانشگاه تهران	روانشناسی	۱۱۷۷۵	۲	ریاضی- فیزیک	علوم انسانی
تهران	۱۹/۲۹	مرد	دانشگاه تهران	حقوق	۱۲۴۲۳	۳	ریاضی- فیزیک	علوم انسانی
تهران	۱۹/۵۷	زن	دانشگاه تهران	حقوق	۱۲۳۸۵	۴	علوم انسانی	علوم انسانی
تهران	۱۹/۷۴	زن	دانشگاه تهران	حقوق	۱۲۳۳۵	۵	علوم انسانی	علوم انسانی
تهران	۱۹/۶۵	مرد	دانشگاه تهران	علوم سیاسی	۱۱۲۷۴	۹	علوم انسانی	علوم انسانی
تهران	۱۹/۹۲	زن	دانشگاه تهران	روانشناسی	۱۱۸۱۲	۱۰	علوم انسانی	علوم انسانی
لنگرود	۲۰	مرد	علوم پزشکی تهران	پزشکی	۱۲۹۲۷	۱	علوم تجربی	علوم تجربی
تهران	۱۹/۳۹	مرد	علم و صنعت	مهندسی برق	۱۲۰۸۴	۱	ریاضی- فیزیک	زبان

واکاوی عوامل موفقیت افراد سرآمد در آزمون سراسری

تهران	۱۹/۷۵	زن	علوم پزشکی شهید بهشتی	دندانپزشکی	۱۱۴۰۱	۱۰	علوم تجربی	زبان
تهران	۱۹/۱۲	زن	دانشگاه هنر تهران	سینما	۱۱۸۴۴	۳	ریاضی- فیزیک	هنر
تهران	۱۸/۷۹	زن	دانشگاه هنر تهران	سینما	۱۱۰۳۳	۸	ریاضی- فیزیک	هنر

مصاحبه کیفی نیمه ساختاریافته، فن اصلی مورد استفاده برای گردآوری داده‌ها بوده است. بعد از هماهنگی و برقراری ارتباط موثر و ایجاد اعتماد در مشارکت‌کنندگان، مصاحبه با پرسش اساسی «چه عواملی در موفقیت شما در آزمون سراسری موثر بوده است»، آغاز گردید و برای رسیدن به جزئیات بیشتر، شکافتن موضوع و رفع ابهامات محتمل، از سؤال‌های کاوش^۱ استفاده گردید. به‌منظور افزایش باورپذیری^۲ و پی‌بردن به نقاط قابل‌بهبود و افزودن ویژگی‌های مثبت به آن، از نظر روان‌شناسان، کارشناسان و متخصصان در این زمینه استفاده گردید. تعداد شش نفر از اعضای هیأت علمی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران سؤال‌های مصاحبه را مطالعه کرده و بعد از تعدیل‌های مورد نیاز، کیفیت آن را تأیید نمودند. تحلیل داده‌ها بر اساس روش هفت مرحله‌ای گلازری انجام شد. بدین‌منظور پژوهشگر تمامی توصیف‌های شرکت‌کنندگان را چندین مرتبه مطالعه نموده تا به منظور درک بهتر این پدیده، با آنان هم‌احساس شود. سپس جملات و واژگان مرتبط با پدیده مورد مطالعه را استخراج نموده و به هر کدام از جملات استخراج شده معنی و مفهوم خاصی داده شد. بعد از مرور توصیف‌های شرکت‌کنندگان، مفاهیم مشترک درون دسته‌های خاص موضوعی قرار داده شده و برای موثق نمودن مطالب، به طور مستمر، به توضیحات اصلی مراجعه می‌شد. در مرحله بعد، موارد استنتاج شده به توصیفی جامع و کامل تبدیل گردید. در انتها، به منظور اعتبار داده‌های کیفی از روش بازبینی توسط اعضا استفاده شد؛ بدین صورت که به‌منظور اطمینان از موثق بودن یافته‌ها، آنها به شرکت‌کنندگان ارائه گردید که بعد از اعمال تعدیل‌های مورد نظر، یافته‌های نهایی بدست‌آمد. سعی شد تا با استفاده از داده‌های روایتی به‌دست آمده از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان، ضمن درک عمیق‌تر پدیده مورد مطالعه از منظر آنان، نتایج پرمایه‌ای تولید شده و باورپذیری نتایج ارتقا یابد. به منظور رعایت ویژگی‌های کیفی پژوهش از سه ملاک قابل قبول بودن^۳،

^۱ Probes

^۲ Credulity

^۳ Acceptability

تأییدپذیری^۱ و قابلیت اطمینان^۲ استفاده شد. در مورد ملاک قابل قبول بودن و تأیید درستی یافته‌ها، رونوشت‌های مصاحبه و گزارش پژوهش برای شرکت‌کنندگان ارسال شد تا موافقت یا مخالفت آنها با مطالب ذکر شده و یافته‌های پژوهش مشخص گردد. به منظور تضمین قابلیت اطمینان یافته‌ها، تلاش شد تا فرایندها و تصمیم‌های مربوط به پژوهش به‌طور مستند و واضح در متن پژوهش تشریح شود. در نهایت، در مورد ملاک تأییدپذیری نتایج، یافته‌ها با پیشینه پژوهش مقایسه شد و با استناد به بحث‌های نظری در تبیین آنها اقدام شد.

یافته‌های پژوهش

به‌منظور تحلیل مصاحبه‌ها، تمامی روایت‌ها و نقل‌قول‌های شرکت‌کنندگان، چندین مرتبه مورد مطالعه دقیق قرار گرفت تا به درک عمیق‌تری از عوامل مؤثر در موفقیت نفرت برتر آزمون سراسری دست یافت. بعد از مقایسه‌های مستمر و کنکاش در متن مصاحبه‌ها، جملات و واژگان مرتبط با پدیده مورد مطالعه در قالب ۳۳۹ کلیدواژه، استخراج گردیده و به هر کدام از جملات استخراج شده معنی و مفهوم خاصی داده شد. بعد از مرور توصیف‌های شرکت‌کنندگان، مفاهیم مشترک درون دسته‌های خاص موضوعی شکل گرفت. در مرحله بعد، زیرمضامین مورد بررسی دقیق‌تری قرار گرفته و در نهایت ۷ مضمون اصلی به عنوان عوامل اصلی موفقیت تقسیم‌بندی گردید. در انتها، به منظور اطمینان از موثق بودن یافته‌ها، آنها به شرکت‌کنندگان ارائه گردید که بعد از اعمال تعدیل‌های مورد نظر، یافته‌های نهایی بدست آمد. به دیگر سخن، تحلیل عمیق تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان، به احصاء و استخراج ۷ مضمون اصلی شامل «خودانگیزگی، موقعیت طلبی، هدفمندی، سرعت عمل، راهبردهای یادگیری، محیط آموزشی و ویژگی‌های خانوادگی» منتج گردید. در جدول ۲ شواهد گفتاری استخراج شده برای هر مضمون آورده شده است.

جدول (۲) مضامین اصلی و شواهد گفتاری استخراج شده از مصاحبه

مضامین اصلی	شواهد گفتاری
خودانگیزگی	خوشحال کردن خانواده؛ توقع بالا؛ رقابت با دیگران؛ علاقه به مدرسه؛ جدیت؛ انگیزه از سوی مدرسه؛ اضطراب کنکور؛ داشتن سابقه کسب رتبه برتر در خانواده؛ ساخت رقیب قدرتمند فرضی؛ ثابت کردن خود به دیگران؛ علاقه به رشته‌ی دبیرستان؛ علاقه به تحصیل؛ احساس مسئولیت؛ سماجت در تحقق هدف؛ تغییر رشته به رشته‌ی مورد نظر؛ افتخارآفرینی؛ کسب یک افتخار برجسته در طول زندگی؛ مصمم بودن؛ مطالعه‌ی خودجوش؛ اعتقادات دینی؛ اعتماد به نفس؛ تلاش برای رسیدن به سطح انسان‌های بزرگ؛
موقعیت طلبی	خاص شدن - پز دادن - تلاش برای حفظ جایگاه خود از نظر علمی - کسب منزلت

¹ confirmability

² dependability

مضامین اصلی	شواهد گفتاری
	اجتماعی - دستیابی به شغل با پرستیژ - کسب درآمد بالا - کمال‌گرایی - استفاده از موقعیت‌ها - کسب احترام
هدفمندی	دستیابی به رشته مورد نظر - دستیابی به شغل مورد نظر - دستیابی به تحصیلات بالا - کسب دانش واقعی
سرعت عمل	شرکت در آزمون‌های آزمایشی - تست زدن زیاد
راهبردهای یادگیری	انتخاب محل مناسب مطالعه؛ مطالعه به صورت کنکوری؛ اخذ مشاوره مناسب؛ شروع به مطالعه کنکوری از زمان مناسب؛ ساعات مطالعاتی زیاد؛ داشتن برنامه مطالعاتی؛ اجرای دقیق برنامه مطالعاتی؛ داشتن بودجه‌بندی برای مطالعه؛ خواندن دروس مدرسه در همان روز؛ مراجعه به منابع آموزشی متعدد؛ نکته برداری؛ تنوع دادن به مطالعه؛ روش صحیح مطالعه؛ یادگیری هم‌تا؛ آزمون‌های بودجه‌بندی‌شده؛ مطالعات غیردرسی؛ معلمان خصوصی؛ تلاش بالا؛ کلاس زبان؛ جمع‌بندی دروس
محیط آموزشی	محیط آموزشی مشوق - وجود جو یادگیری - محیط رقابتی - کلاس‌های فوق برنامه - کیفیت آموزشی مدرسه - معلمان خوب - ارائه‌ی برنامه‌های آموزشی مناسب - فراهم بودن محیط مطالعه - وجود تعاون و همکاری با همکلاسی‌ها - وجود محیط‌های علمی - اردوهای مطالعاتی - حمایت مدرسه از دانش‌آموز - مدرسه‌ی خوب
ویژگی‌های خانوادگی	عدم اجبار به مطالعه؛ اهمیت به تحصیل؛ دادن آزادی عمل؛ تشویق؛ حمایت مالی؛ راهنمایی‌های تحصیلی؛ تحصیلات اعضای خانواده؛ وجود محیط مناسب برای مطالعه؛ وجود امکانات در منزل؛ تلاش خانواده برای ایجاد شرایط مناسب روحی؛

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، شواهد گفتاری مرتبط با هر یک از مضامین در مقابل آن ذکر شده است. این شواهد در همه مصاحبه‌ها بارها و بارها تکرار شده که نشان از اهمیت آن برای نیل به هدف افراد سرآمد که همان کسب رتبه برتر در آزمون سراسری است، می‌باشد. در این جدول شواهد گفتاری به صورت کلیدواژه آورده شده که خلاصه‌ای از تجمیع نظرات همه شرکت‌کنندگان در مصاحبه می‌باشد. همچنین تعداد ۶۳ کلیدواژه پراکنده وجود دارد که در تمام مصاحبه‌ها اشتراکی بین آنها وجود نداشت و به نظر می‌رسد این ۶۳ کلیدواژه تأثیر چندانی در موفقیت نفرت برتر آزمون سراسری نداشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

از آنجایی که کیفیت عملکرد افراد، تحت تأثیر ادراکات آنها قرار دارد، در مطالعه حاضر به‌منظور درک عمیق عوامل موثر در کسب موفقیت در آزمون سراسری رتبه‌های برتر، سعی شد تا با روش‌شناسی کیفی و ورود به نظام معنایی منتخبین آزمون سراسری، سطح و عمق ادراک و تفسیر آنها نسبت به پدیده مورد بررسی، شناسایی و بازنمایی گردد. از نظر افتخاری، بدری، پایداری و سواد (۱۳۹۱) هر انسانی دنیای منحصر به فردی از ادراکات و تصورات دارد که از

آگاهی‌ها و تجربیات وی نشأت می‌گیرد، اما مجموعه‌ای از الگوهای ادراکی مشابه در میان افراد در جامعه حاکم است که می‌توان آنها را کشف و فرمول‌بندی کرد (نقل از صالحی، بازرگان، صادقی و شکوهی یکتا، ۱۳۹۴). بنابراین هدف این نوشتار، شناسایی عوامل عمده موفقیت نفرت برتر آزمون سراسری به منظور بازنمایی راه‌حل‌های عملی و دست‌یافتنی برای موفقیت در آزمون سراسری است؛ راه‌حلی که قبلاً به‌خوبی توسط افرادی پیموده و آزموده شده و نتیجه مطلوب حاصل شده باشد. بدین ترتیب بقیه داوطلبانی که قصد شرکت در آزمون سراسری را دارند با اطمینان خاطر بیشتری می‌توانند از این راه‌حل استفاده کنند. بنابراین تحلیل تجربه زیسته نفرت برتر آزمون سراسری در خصوص عوامل موفقیت‌شان می‌تواند برای دانش‌آموزان مفید واقع شود. واکاوی عمیق در مصاحبه‌های نفرت برتر آزمون سراسری، به احصاء و استخراج ۷ مضمون اصلی شامل «خودانگیزختگی، موقعیت طلبی، هدفمندی، سرعت عمل، راهبردهای یادگیری، محیط آموزشی و ویژگی‌های خانوادگی» منتج گردید.

اگر بخواهیم این مضامین را به ترتیب اهمیت اولویت‌بندی کنیم شاید کاری بسیار دشوار باشد زیرا به‌نظر می‌رسد تمام مضامین مهم بوده و اگر حتی یکی از این عوامل صورت نپذیرد، موفقیت حاصل نگردد. مضمون نخست خودانگیزختگی می‌باشد. این مضمون به آن دسته از عواملی اشاره دارد که باعث ایجاد انگیزه درونی در فرد می‌شود. یکی از آنها خوشحال کردن خانواده است، کسب رضایت پدر و مادر و خوشحال کردن آنان یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد خودانگیزختگی بوده زیرا به صراحت در اکثر مصاحبه‌ها به آن اشاره شده است. به عنوان مثال در یکی از مصاحبه‌ها گفته شده: "می‌دانستم که اگر در دانشگاه خوبی قبول شوم خانواده‌ام خیلی خوشحال می‌شوند و این برایم انگیزه‌ای بود تا بیشتر تلاش کنم". عامل بعدی توقع بالا می‌باشد که می‌تواند به چند طریق ظهور کند. این توقع می‌تواند توقع والدین از فرد، توقع مدرسه از او و توقع خود فرد از خودش باشد که در افراد مختلف نموده‌های متفاوتی داشته است. یکی از شرکت‌کنندگان توقع خانواده از خود را اینگونه بیان می‌کند: "...از طرفی اعضای خانواده نیز از من توقع بالایی داشتند و سعی می‌کردند تمام شرایط را مهیا کنند تا بتوانم بهتر به مطالعاتم بپردازم". رقابت هم عامل مهم دیگری است که ممکن است با هم‌کلاسی‌ها باشد یا با اعضای خانواده و اقوام. برخی از این افراد سرآمد در خانواده یا اقوام خود فرد موفق‌تر داشته‌اند که به آنها انگیزه زیادی برای رقابت می‌داد. به عنوان مثال برادر یکی از این افراد در کنکور سال‌های قبل رتبه تک رقمی آورده بود که باعث ایجاد حس شدید رقابت در برادر خود گردید. یکی از شرکت‌کنندگان به صراحت بیان می‌کند که: "شرایط خانواده ما به گونه‌ای بود که همه رتبه‌های زیر ۱۰۰ کسب کرده بودند، از طرفی مدرسه ما هم اکثراً در کنکور رتبه تک رقمی می‌داد، همچنین در آزمون‌های آزمایشی همیشه رتبه ۱ می‌آوردم و فقط یک بار رتبه ۲ آوردم. از طرفی خودم نیز ذاتاً انسان کمال‌گرایی هستم و تمایل دارم کارها را به بهترین شکل ممکن انجام دهم؛

واکاوی عوامل موفقیت افراد سرآمد در آزمون سراسری

تمام این عوامل دست به دست هم دادند تا انگیزه من را برای کنکور فزونی بخشند تا بتوانم رتبه خوبی در کنکور کسب نمایم." این جمله به خوبی نشان می‌دهد که داشتن سابقه کسب رتبه برتر در خانواده یا اقوام نیز تا چه میزان به آنها انگیزه داده است. انگیزه از سوی کارکنان مدرسه نیز یکی از مهم‌ترین عوامل خودانگیختگی در اکثر مصاحبه‌ها می‌باشد: "...مشوق اصلی من مدرسه بود؛ مدرسه یک سیستمی داشت که دانش آموزان را به سمت علاقه شان سوق می‌داد." یکی دیگر از عوامل خودانگیختگی، ساختن رقیب فرضی قدرتمند می‌باشد. از آنجایی که این افراد گاه با اختلاف زیادی نسبت به دوستان خود برتر بودند، رقیب واقعی قدرتمندی نداشته و همین امر باعث می‌شد تلاششان کاهش پیدا کند؛ بنابراین برای خود یک رقیب فرضی می‌ساختند. به عنوان مثال اینگونه بیان شده است: "در دوره دبیرستان در تمام آزمون‌ها همیشه اول بودم و رقیب قدرتمندی نداشتم، البته یک رقیب داشتم که آن هم مقداری از من ضعیف‌تر بود؛ بنابراین سعی کردم در تصوراتم برای خودم یک رقیب فرضی بسیار قوی بسازم و با او به رقابت بپردازم تا بتوانم تلاش خودم را افزایش بخشم." برخی از این افراد برای ثابت کردن خود به دیگران تلاش می‌کردند و این امر به آنان انگیزه بالایی می‌داد. عمق معنای این عامل را می‌توان در این جمله یافت: "رشته دبیرستان را بیشتر به خاطر رشته‌ای که در دانشگاه می‌خواستم بروم انتخاب نمودم و به همین دلیل گروه علوم انسانی را انتخاب کردم تا بتوانم در دانشگاه حقوق بخوانم. اما طرز فکر اکثریت به گونه‌ای بود که گمان می‌بردند کسانی که در درس ضعیف هستند به علوم انسانی می‌روند، اما من واقعاً هدف داشتم و به خاطر علاقه‌ای که به حقوق داشتم به علوم انسانی رفتم. برای این که به همه اثبات بکنم به خاطر ضعیف بودن این رشته را انتخاب نکردم به من انگیزه داد بیشتر تلاش کنم تا این رتبه را کسب نمایم." عامل بعدی علاقه به رشته دبیرستان می‌باشد. یکی از این افراد سرآمد اینگونه بیان کرد که "به خاطر علاقه‌ای که به درس زیست داشتم وارد رشته علوم تجربی شدم" و همین علاقه باعث شد با انگیزه بیشتری درس خوانده و منجر به کسب رتبه برتر گردد. برخی نیز به طور کلی به تحصیل علاقه دارند زیرا معتقدند: "از نظر من تحصیل دید گسترده‌ای به انسان می‌دهد و او را قادر می‌سازد با نگاهی عمیق‌تر به مسائل بنگرد و باعث می‌شود در امور مختلف موفق شوم که این جنبه برای من از اهمیت بیشتری برخوردار است. تحصیل سطح درک و فهم را بالا می‌برد، از طرفی احساس می‌کنم جامعه نیز خیلی به تحصیلات اهمیت می‌دهد." احساس مسئولیت نیز یکی از عوامل درونی برای خودانگیختگی به شمار می‌رود. این احساس مسئولیت می‌تواند در قبال خود یا چیزهای دیگری باشد. یکی از شرکت‌کنندگان احساس مسئولیت در قبال امام زمان را با این جمله بیان می‌کند: "...و اینکه به عنوان منتظر امام زمان (عج) احساس مسئولیت می‌کردم و اینکه به عنوان یک دانشجوی برتر وارد دانشگاه شوم را تکلیفی برای خودم می‌دانستم." همین شخص دارای اعتقادات دینی بسیار قوی بوده که او را وادار به درس خواندن می‌کرده است. او

می گوید: "مدرسه‌ای که من در آن تحصیل می‌کردم بهترین مدرسه علوم انسانی در کشور بود و هر ساله بهترین رتبه‌ها از این مدرسه استخراج می‌شد. به همین دلیل احساس می‌کردم اگر از این موقعیت استفاده نکنم ناشکری کرده‌ام". یکی دیگر از این افراد که خانم بود، از لفظ رسالت برای بیان احساس مسئولیت خود استفاده کرد. او اینگونه عنوان کرد که: "من دیدگاه فمینیسمی دارم، وقتی نابرابری‌ها را در جامعه می‌دیدم احساس می‌کردم من یک رسالتی دارم که باید این نابرابری‌ها را کاهش دهم؛ به همین دلیل حقوق را انتخاب کردم و هم‌اکنون که حدود یک سال است وارد رشته حقوق شده‌ام خیلی خوشحالم و به آن لذتی که هنگام مطالعه می‌برم رسیده‌ام". مصمم بودن در هدف و سماجت برای تحقق آن به عنوان یک نقطه عطف در زندگی برخی افراد، خودانگیختگی آنان را به شدت افزایش داد. یکی از افراد سرآمد که رتبه تک رقمی گروه هنر را کسب کرده بود، از مخالفت‌های خانواده با این رشته و سماجت خودش اینگونه سخن می‌گفت: "خانواده‌ام با رشته هنر مخالف بودند و می‌گفتند چون استعداد داری باید به رشته مهندسی بروی؛ آن‌ها فکر می‌کردند برای این‌که از درس فرار کنم به رشته هنر می‌روم. اما من در انتخابم مصمم بودم و برای این‌که خودم را ثابت کنم انگیزه بالایی در من به وجود آمد تا به شدت درس بخوانم". برخی از افراد تحت تاثیر جو مدرسه یا فشار خانواده، رشته‌ای را در دبیرستان برگزیدند که به آن علاقه نداشتند. اما وقتی در سال پیش‌دانشگاهی موفق شدند تغییر رشته بدهند و به رشته‌ی مورد علاقه‌ی خود بروند، چنان اشتیاقی در آنان ایجاد کرد که انگیزه‌ای بسیار قوی در آنان به وجود آورد: "جو مدرسه ما به گونه‌ای بود که همه به رشته ریاضی-فیزیک می‌رفتند، گرایش مدرسه به سوی این رشته بود و خانواده هم به ریاضی تمایل داشتند، به همین دلیل من هم وارد رشته ریاضی-فیزیک شدم؛ اما بعدها احساس کردم که به علوم انسانی علاقه بیشتری دارم و با صحبت‌هایی که انجام شد خانواده‌ام پذیرفتند که تغییر رشته بدهم، بدین صورت سال پیش‌دانشگاهی تغییر رشته داده و وارد رشته علوم انسانی شدم. در حقیقت به خاطر علاقه‌ای که به حقوق داشتم تغییر رشته دادم و علوم انسانی را برگزیدم". یکی دیگر از افراد سرآمد می‌گوید: "من از سوم راهنمایی به علوم انسانی علاقه داشتم اما خانواده‌ام به من اجازه ندادند که انسانی بخوانم و به ناچار وارد رشته ریاضی-فیزیک شدم اما در نهایت توانستم آنها را قانع کنم و سال پیش‌دانشگاهی تغییر رشته بدهم و وارد رشته علوم انسانی شوم. در واقع بعد از این که در المپیاد ادبیات مقام دوم را کسب کردم پدر و مادرم متوجه شدند که به رشته ادبیات و علوم انسانی علاقه دارم و متقاعد شدند که تغییر رشته بدهم. تا آن موقع هنوز برای کنکور شروع به مطالعه نکرده بودم. اما بعد از این‌که موفق شدم به رشته مورد علاقه‌ام بروم، از اواخر مهر همان سال پیش‌دانشگاهی شروع به مطالعه برای موفقیت در کنکور کردم". افتخار آفرینی بین خانواده و دوستان و کسب یک افتخار برجسته در طول زندگی نیز در برخی افراد باعث خودانگیختگی شده بود. یکی از شرکت‌کنندگان با این جمله از کسب افتخار برجسته یاد می‌کند: "من در طول

واکاوی عوامل موفقیت افراد سرآمد در آزمون سراسری

سال‌های تحصیل مدال یا مدرک خاصی کسب نکردم، چیزی که بیشتر از همه به من انگیزه درس خواندن می‌داد این بود که یک بار به خودم ثابت کرده باشم که می‌توانم یک کار مهم انجام دهم، کنکور اولین باری بود که توانستم یک موفقیت بزرگ کسب کنم و این موفقیت باعث خواهد شد در تمام عمر از آن اعتماد به نفس بگیرم". یکی دیگر از این عوامل، مطالعه‌ی خودجوش بوده که می‌توان گفت این عامل در تمام رتبه‌های برتر یافت می‌شده است. در اینجا به چند نمونه از شواهد گفتاری در این رابطه اشاره می‌شود: "هیچ‌وقت پدر و مادرم روی نمره‌هایم حساس نبودند و از ابتدا یاد گرفته بودیم بدون اینکه مجبورمان کنند خودمان درس‌هایمان را مطالعه کنیم". و یا: "خانواده‌ام برای درس خواندن به من فشار وارد نمی‌کردند چون می‌دانستند که نباید استرس ایجاد کنند، ولی فشار درونی که خودم داشتم باعث می‌شد به شدت درس بخوانم". و یا: "هیچ‌وقت خانواده‌ام مرا وادار به درس خواندن نکردند و حتی تذکر هم نمی‌دادند زیرا خودم می‌دانستم چه وقت درس بخوانم، حتی مادرم گاهی اوقات می‌گفت درس نخوان چون گاهی اوقات خیلی درس می‌خواندم و مادرم نگران می‌شد". اعتماد به نفس نیز یکی از مهم‌ترین عوامل است که در تمام افراد سرآمد یافت شده و باعث خودانگیختگی آنان گردیده است که فقط به یکی از این گفتارها اشاره می‌کنیم: "داشتن اعتماد به نفس خیلی زیاد و عدم وجود استرس هم خیلی به موفقیت کمک کرد، زیرا از بس در آزمون‌های آزمایشی شرکت کرده بودم که کنکور برایم عادی شده بود و فکر می‌کردم کنکور هم یک آزمون آزمایشی است و هیچ استرسی نداشتم". برخی از این افراد نیز در یک مقطعی از زندگی با انسان‌های بزرگی روبرو شدند که به آنها انگیزه می‌داد تا خودشان را به سطح آن انسان‌ها برسانند: "در سال پیش‌دانشگاهی با افراد بزرگی آشنا شدم که به من انگیزه پیشرفت دادند؛ به این صورت که باعث شد به خودم بگویم که من نیز می‌توانم انسانی بزرگی شوم و سعی کردم خودم را به سطح آنها برسانم". بدین ترتیب عواملی که باعث خودانگیختگی شده بودند شرح داده شد. در ادامه، بقیه مضامین مورد بحث قرار گرفته است.

مضمون بعدی موقعیت‌طلبی می‌باشد. شواهد گفتاری بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد افراد سرآمد به دلیل حس جاه‌طلبی که داشتند دست به تلاش زدند. یکی از این عوامل خاص شدن است که در روح اکثر مصاحبه‌ها به خوبی حس می‌شد. حال برخی فقط برای ارضای حس درونی خود برای خاص شدن تلاش می‌کردند و برخی برای پز دادن جلوی دیگران. برخی نیز هنگامی که موفق شدند جایگاه خوبی از نظر علمی در دبیرستان کسب کنند، دیگر حاضر نبودند این جایگاه را از دست بدهند، بنابراین باعث شد هیچ‌وقت از تلاش خود کم نکنند. یکی از شرکت‌کنندگان در رابطه با این عامل اذعان می‌دارد که: "من در مقطع راهنمایی خیلی درس نمی‌خواندم اما همیشه شاگرد اول بودم. وقتی وارد دبیرستان شدم جمع‌ی از شاگرد اول‌های منطقه حضور داشتند و شرایط برای من تغییر کرد. در امتحان میان‌ترم معدل کم‌ی بیشتر از ۱۷

شد که این معدل برای من خیلی بد بود. پس از این اتفاق با تمرکز روی دانش‌آموزانی که معدل خوبی کسب کرده بودند متوجه شدم که از اول سال بدون گوشزد دیگران، خودشان درسشان را می‌خواندند. این جو بر من تأثیر گذاشت و از آن پس به صورت جدی شروع به مطالعه نمودم؛ تا جایی که در امتحانات دی ماه معدل ۱۹/۹۱ شد و شاگرد سوم کلاس شدم. در کلاس ما رقابت خیلی بالا بود، از آن پس همین تغییری که در من ایجاد شده بود ادامه پیدا کرد و سال‌های دوم و سوم و پیش‌دانشگاهی شاگرد اول کلاس شدم همیشه در آزمون‌ها با اختلاف زیادی رتبه اول را کسب می‌کردم و همیشه سعی می‌کردم جایگاهم را به همین صورت حفظ نمایم". پرستیژ نیز واژه‌ای است که می‌توان آن را در مضمون موقعیت‌طلبی قرار داد. در واقع این افراد به دلیل پرستیژی که یک رشته مانند پزشکی دارد، تلاش کردند تا در آن رشته قبول شوند. یکی دیگر از این عوامل کسب درآمد بالا می‌باشد، هرچند برای نفرت برتر آزمون سراسری کسب درآمد کمترین اهمیت را در مقایسه با بقیه عوامل موفقیت داشته است، اما به هر حال این عامل نیز بی‌تأثیر نبوده است. به عنوان مثال یکی از این افراد که به دو رشته مختلف علاقه داشت، در نهایت رشته‌ای را برگزید که درآمد بهتری را برای آن متصور می‌شد. او می‌گوید: "البته به درمانگری روان‌شناسی هم خیلی علاقه داشتم اما روان‌شناسی بالینی از نظر درآمد مقداری بهتر بود به همین دلیل وارد این رشته شدم". برخی از افراد نیز ذاتاً کمال‌گرا بوده و دوست دارند در همه‌ی بهترین نتیجه را کسب کنند: "...از طرفی خودم نیز ذاتاً انسان کمال‌گرایی هستم و تمایل دارم کارها را به بهترین شکل ممکن انجام دهم". عامل دیگری که در مضمون موقعیت‌طلبی قرار می‌گیرد، کسب احترام است. این عامل با کسب منزلت اجتماعی تفاوت دارد. منزلت اجتماعی اشاره به جایگاه کلی یک رشته یا شغل در جامعه دارد اما کسانی که به دنبال کسب احترام بودند، هدفشان این بود که احترام برخی افراد خاص را به خود جلب کنند.

مضمون هدفمندی یکی دیگر از مضامین مهم در کسب رتبه برتر بوده است. در این میان دستیابی به رشته مورد نظر در دانشگاه اهمیت زیادی داشته است؛ تا حدی که یکی از شرکت‌کنندگان اینگونه بیان می‌کند: "شاید کسب رتبه خوب آرزوی همه باشد، اما هدف اصلی من رتبه تک رقیمی نبود بلکه قبولی در رشته‌ای بود که به آن علاقه داشتم...". از طرفی دستیابی به رشته مورد نظر باعث دستیابی به شغل مورد علاقه و مناسب نیز خواهد شد. حال اینکه هر یک از این افراد به چه دلیلی می‌خواستند به شغل مورد نظر دست پیدا کنند متفاوت است؛ برخی به دلیل پرستیژ آن شغل، برخی به خاطر درآمد، برخی به خاطر رسالتی که در خود احساس می‌کردند، برخی به خاطر علاقه و عوامل متعدد دیگری که در مضمون خودانگیزگی به طور مفصل مورد بحث قرار گرفت. اما علت هرچه که بوده، باعث شده است یک هدف و یک چشم‌انداز به وجود آورد تا این افراد برای دستیابی به هدف خود، تمام تلاش خود را به کار بندند. برخی نیز هدفشان صرفاً دستیابی به تحصیلات بالا بوده است، زیرا برای تحصیل ارزش خیلی

واکاوی عوامل موفقیت افراد سرآمد در آزمون سراسری

زیادی قائل هستند. در این رابطه یکی از افرادی که وارد رشته حقوق شده بود به صراحت اذعان می‌کند که: "تحصیلات بالا بر تفکرات انسان‌ها تأثیرات بسیار زیادی دارد و به رشد جامعه کمک می‌کند. اولین هدف من این است که دکتری بگیرم، جزء هیئت علمی دانشگاه شوم، در دانشگاه تدریس نمایم و دانشجویان را تربیت کنم. به وکالت اصلاً فکر نمی‌کنم، شاید در کنار هدف اصلی به صورت تفننی کار وکالت را انجام دهم؛ نمی‌خواهم هدف اصلی وکالت باشد چون جنبه مادی پیدا می‌کند." او که به کسب دانش واقعی اهمیت زیادی می‌دهد در ادامه می‌گوید: "بیشتر مردم مدرک‌گرا هستند ولی با توجه به اینکه تعداد افراد با مدرک تحصیلی بالا خیلی زیاد شده است، اهمیت تحصیلات واقعی بیشتر نمایان می‌شود. به نظر پدرم وارد هر رشته‌ای که شوی اگر انسان باسوادی باشی کار هست."

یکی از مضامینی که در کسب رتبه‌ی خوب در آزمون سراسری نقش بسیار زیادی دارد، سرعت عمل در تست‌زنی است. چه بسا افرادی که به دلیل سرعت عمل پایین نشده‌اند در زمان محدود به همه سوالات پاسخ دهند و نمره‌ی زیادی را از دست داده‌اند. برای دستیابی به سرعت عمل بالا دو راه وجود دارد که در تمام مصاحبه‌ها مشترک بوده است. راه اول شرکت در آزمون‌های آزمایشی و راه دوم تست زدن زیاد. البته برای تست زدن با سرعت بالا نیاز است که افراد تکنیک‌هایی را یاد بگیرند که در مضمون راهبردهای یادگیری به طور مفصل مورد بحث قرار خواهد گرفت، اما تا وقتی که عملاً دست به تست نبرند، در این امر متبحر نخواهند شد. در این رابطه به چند نقل قول اشاره خواهد شد: "در دروس عمومی فقط کتاب‌های درسی خودم را می‌خواندم و تست می‌زدم." و یا: "سال پیش دانشگاهی کلاس‌های درسی تا حد زیادی کنکوری بود و تکالیفی که می‌دادند اکثر اوقات تست کنکور بود، به گونه‌ای که به طور متوسط در هفته حدود هزار تا تست برای درس‌های مختلف می‌زدم و کتاب‌های تست گوناگونی را کار می‌کردم." در این میان یکی از افراد سرآمد در رابطه با آزمون‌های آزمایشی سازمان سنجش نظری دارد که بیان آن خالی از لطف نیست. او می‌گوید: "رتبه‌ای که در این آزمون کسب می‌کنیم تا حدی نزدیک به کنکور اصلی است و این اصلاً چیز خوبی نیست؛ چون دو حالت دارد، یا آزمون را خوب می‌دهیم یا بد؛ اگر نتیجه‌ی این آزمون بد شود در آن یک هفته فرصت مطالعه و جبران وجود ندارد و غیر از ایجاد استرس مزیت دیگری ندارد، و اگر نتیجه‌ی این آزمون خوب شود استرس این که در کنکور اصلی هم باید این نتیجه را کسب کنم - چون همه از من انتظار دارند - ایجاد خواهد شد و دائم به این سؤال فکر می‌کنیم که آیا انتظارات را برآورده خواهیم کرد یا نه؟ در آن فرصت کم یک هفته‌ای کاری نمی‌توان کرد و فقط مشکلات روحی ایجاد خواهد شد."

یکی دیگر از مهم‌ترین مضامین در موفقیت این افراد، استفاده از راهبردهای یادگیری مناسب بوده که در جدول ۱ به صورت تیتروار به آنها اشاره شد. در این قسمت هر یک از راهبردها با ارائه شواهد عینی از مصاحبه‌شوندگان مورد بحث قرار خواهد گرفت. یکی از این

راهبردها انتخاب محل مناسب برای مطالعه است. برخی در منزل بهتر مطالعه می کنند، برخی در مدرسه و برخی در کتابخانه؛ اما چیزی که اهمیت دارد این است که درک کنیم کدام یک از این محیطها برای ما مناسبتر است. در این میان نظرات متفاوتی وجود دارد: "منزل ما محیط خیلی آرامی دارد و از طرفی من هم خیلی به سر و صدا حساس نیستم، به همین دلیل همیشه در منزل مطالعه می کردم". شخص دیگری نیز می گوید: "ما در منزل یک کتابخانه خیلی بزرگ داریم و همیشه در منزل درس می خواندم". شخص دیگری هم از محیط مدرسه و هم از محیط منزل برای مطالعه استفاده می کرده است اما بیشتر مطالعات او در مدرسه صورت می گرفت. شخص دیگری می گوید: "دبیرستان ما به غیر از کلاسهای اصلی، کلاسهای فوق برنامه نمی گذاشت اما مدتی بعد از پایان کلاسها داخل مدرسه می ماندیم و تا شب درس می خواندیم. اما به طور معمول بیشتر در منزل به مطالعه می پرداختم". شخص دیگری که مدرسه را برای مطالعه انتخاب کرده بود اینگونه دلیل می آورد: "من معمولاً در مدرسه مطالعه می کردم؛ اولاً به این دلیل که منزل ما پر سر و صدا بود و نمی شد به خوبی درس خواند، و دوم به دلیل کنترلهایی که در مدرسه صورت می گرفت ساعات مطالعاتی بهتری را داشتم". و دیگری اینگونه بیان نمود: "برای مطالعه اوایل منزل را انتخاب کردم اما بعد متوجه شدم که در مدرسه بهتر می توانم مطالعه کنم و از آن به بعد در مدرسه درس می خواندم، اما دو ماه قبل از کنکور مجدداً در منزل درس خواندم". راهبرد بعدی مطالعه به صورت کنکوری است که از اهمیت بالایی برخوردار است. در این میان اخذ مشاوره مناسب نیز اهمیت زیادی دارد؛ برخی از مشاور مدرسه استفاده می کردند، برخی از مشاور خصوصی و برخی نیز از معلمان و یا افراد دیگر مشاوره می گرفتند. راهبرد بعدی زمان شروع به مطالعه برای کنکور است که اکثراً از یک سال قبل از کنکور شروع به مطالعه کردند و برخی نیز از دو سال قبل. اما شاید مهم ترین عامل ساعات مطالعاتی زیاد باشد. برای نمونه به چند نقل قول اشاره می شود: "در روزهای تعطیل بین ۶ تا ۹ ساعت و در روزهای غیر تعطیل - که مدرسه می رفتم - بین ۳ تا ۵ ساعت به طور مفید مطالعه داشتم". شخص دیگری می گوید: "روزهایی که مدرسه می رفتم بین ۶ تا ۷ ساعت و روزهای تعطیل بین ۱۰ تا ۱۲ ساعت مطالعه داشتم". و یا: "از اول تابستان قبل از پیش دانشگاهی شروع به مطالعه مخصوص کنکور کردم، تابستان روزی ۲ تا ۳ ساعت مطالعه داشتم، بعد از مهر تبدیل به ۴ تا ۵ ساعت شد و بعد از عید ساعات مطالعاتم به ۱۰ تا ۱۱ ساعت در روز رسید". شاید بیشترین ساعت مطالعه مربوط به این شخص باشد که می گوید: "من خیلی درس می خواندم، حتی اگر در مدرسه لحظه ای وقت آزاد برایم پیش می آمد مطالعه می کردم، بعد از این که به خانه می آمدم فقط نیم ساعت استراحت می کردم و تا ۱۱ یا ۱۲ شب درس می خواندم. در روزهای تعطیلی نیز از ۷ صبح شروع می کردم تا ۱۱ یا ۱۲ شب، شاید در این میان حدود ۲ ساعت جهت نهار و شام و استراحت وقت آزاد داشتم و غیر از این ۲ ساعت از صبح تا شب را واقعاً درس

واکاوی عوامل موفقیت افراد سرآمد در آزمون سراسری

می‌خواندم. به طور مفید روزانه ۱۶ ساعت مطالعه داشتم، موقع جمع‌بندی نیز ۱۴ ساعت مطالعه داشتم." اما این حجم از مطالعه باعث خستگی می‌شده که به همین دلیل دادن تنوع به مطالعه ضروری است: "چون ساعت مطالعاتم زیاد بود برای این که خسته نشوم به مطالعاتم تنوع می‌دادم؛ مثلاً زمانی که از خواندن خسته می‌شدم تست می‌زدم یا فقط فرمول می‌خواندم، حتی گاهی اوقات پیش می‌آمد که حدود نیم ساعت به یک عکس در کتاب تاریخ خیره می‌شدم و آن تصویر را در ذهنم تحلیل می‌کردم". داشتن برنامه مطالعاتی نیز کمک بسیار زیادی به نظم بخشیدن به مطالعات می‌کند. حال ممکن است این برنامه توسط خود فرد طراحی شده باشد و یا توسط مشاور مدرسه و موسسات آموزشی. یکی از شرکت‌کنندگان می‌گوید: "روی برنامه مطالعاتی‌ام خیلی حساس بودم تا با دقت اجرا شود و حتی یک دقیقه هم جا به جا نشود". داشتن بودجه‌بندی برای مطالعه نیز بسیار اهمیت دارد. برخی مدارس به گونه‌ای هستند که این بودجه‌بندی را به دانش‌آموزان می‌دهند. برخی دانش‌آموزان نیز کار بودجه‌بندی را خودشان انجام می‌دهند و برخی نیز متناسب با بودجه‌بندی آزمون‌های آزمایشی پیش می‌روند. خواندن منابع و کتاب‌های تست متنوع نیز باعث می‌شود با انواع و اقسام سوالات آشنا شد و با اعتماد به نفس بالاتری در آزمون سراسری شرکت کرد. اکثر افراد سرآمد در کنکور سراسری تقریباً تمام کتاب‌های کمک‌درسی موجود در بازار را خوانده‌اند. یکی دیگری از راهبردها، یادگیری همتا است. شواهد زیادی وجود دارد که یادگیری و یاددهی همتا برای طیف وسیعی از اهداف، محتوا و دانش‌آموزان با پایه تحصیلی و شخصیت‌های متفاوت بسیار موثر است (جانسون و همکاران، ۱۹۸۱). آنیس (۱۹۸۳) سطح یادگیری دانش‌آموزانی که یک مطلب را از همتای خود آموخته‌اند را با سطح یادگیری دانش‌آموزانی که یک مطلب را به دیگر دانش‌آموزان درس داده‌اند مقایسه کرده است. نتایج نشان داد که درس دادن بهتر از آموزش دیدن باعث بهبود یادگیری شد. مطالعات دیگری توسط بارگ و شول (۱۹۸۰) نیز نتایج مشابهی داشت؛ نتایج تحقیقات آنها نشان داد پردازش عمیق ذهنی زمانی اتفاق می‌افتد که یک شخص در حال آماده کردن خود برای تدریس است. در این میان نقش معلمان خصوصی را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. برخی فقط برای جمع‌بندی دروس از معلمان خصوصی استفاده می‌کردند و برخی نیز در طول سال چندین بار توسط معلم خصوصی آموزش دیده‌اند. اما می‌توان گفت نقش معلم خصوصی نسبت به بقیه راهبردهای یادگیری بسیار کم‌رنگ است. شاید مهم‌ترین عامل تلاش بالا باشد. کلاس زبان نیز تأثیر زیادی در کسب نمره بالا در درس زبان داشته است که نمی‌توان از نقش آن چشم‌پوشی کرد.

مضمون بعدی محیط آموزشی می‌باشد که در خلال مضامین قبلی، به این مضمون نیز اشاره شده است. در اینجا به ذکر چند نقل قول بسنده می‌کنیم. نقل قول اول: "در مدرسه رقابت خیلی شدید بود تا جایی که گاهی اوقات دعوا می‌گرفت". نقل قول دوم: "مدرسه برایمان

کلاس‌های فوق‌برنامه می‌گذاشت که مدرسانش خیلی عالی و قوی بودند". نقل قول سوم: "در مدرسه تیزهوشان که من درس می‌خواندم، طرح کنکور وجود داشت؛ یعنی کلاس‌های درسی به گونه‌ای بود که معلم‌هایمان به طور ویژه برای کنکور ما را آماده می‌کردند". نقل قول چهارم: "من معتقدم که اگر به این دبیرستان نمی‌رفتم هیچ‌وقت موفق نمی‌شدم این رتبه را کسب نمایم. معلمانش خیلی عالی بودند، مخصوصاً معلمان ادبیات که فوق‌العاده و از بهترین معلمان بودند. کلاس‌های درسی خیلی پربار و فراتر از سطح آموزش و پرورش بود. تمام بچه‌ها از قشری خاص بودند، جو دموکراسی حکمفرما بود و به طور کلی یک مدرسه همه چی تمام بود". نقل قول پنجم: "برنامه مطالعاتی‌ام طبق برنامه مدرسه بود؛ از تابستان سال قبل از پیش‌دانشگاهی از تاریخ ۷ تیر کلاس‌هایمان شروع شد و تا ۶ تیر سال بعد که روز قبل از کنکور بود ادامه داشت. برنامه به گونه‌ای بود که در تابستان کل دروس دوم و سوم دبیرستان را به صورت خودخوان مطالعه کردیم. مدرسه طبق بودجه‌بندی‌ای که به ما می‌دادند هر هفته شنبه‌ها آزمونی مانند کنکور برگزار می‌کرد، یعنی شامل دفترچه سؤالات عمومی و دفترچه سؤالات اختصاصی. همچنین تدریس برخی از دروس پیش‌دانشگاهی در همین تابستان شروع شد، برخی حتی در همان تابستان به اتمام رسید اما برخی نیز ادامه پیدا کرد؛ به عنوان مثال جغرافیای پیش‌دانشگاهی در همان تابستان به اتمام رسید. بعد از مهر نیز فقط کلاس عربی و ریاضی ادامه داشت که یک روز در هفته به خاطر این کلاس و یک روز دیگر هم بخاطر آزمون هفتگی به مدرسه می‌آمدیم و تا اواسط اسفند کل دروس پیش‌دانشگاهی تمام شد. برای دروس پایه نیز کلاس‌های اجباری داشتیم. در تابستان سه روز در هفته کلاس داشتیم و سه روز دیگر مطالعه می‌کردیم و برای آزمون روز شنبه آماده می‌شدیم". نقل قول ششم: "مدرسه برای کنکور کلاس‌های فوق‌برنامه برگزار می‌کرد؛ کلاس‌های کنکور از تابستان سال قبل از کنکور شروع شد، بعد از شروع سال تحصیلی کلاس‌های درسی نیز اضافه شد و برنامه مدرسه فشرده‌تر شد تا جایی که بعضی روزها تا ساعت ۶ غروب هم کلاس داشتیم، به همین دلیل از ماه آبان دیگر در کلاس‌های کنکور شرکت نکردم. کلاس‌های کنکور خوب بود و از دبیران خوبی استفاده می‌کردند اما احساس می‌کردم اگر خودم در منزل مطالعه کنم بازدهی بیشتری خواهد داشت". نقل قول هفتم: "یکی از ویژگی‌های بارز مدرسه ما این است که دانش‌آموزانی که در این مدرسه تحصیل می‌کنند احساس افتخار و غرور می‌کنند، فضایی دارد که دانش‌آموزان ترغیب می‌شوند کارهای تحقیقاتی و علمی واقعی انجام دهند، البته اینگونه نیست که دانش‌آموزان را تحت فشار قرار دهند بلکه شرایط مناسب را مهیا می‌کنند تا استعدادهای دانش‌آموزان شکوفا شود".

در نهایت آخرین مضمون ویژگی‌های خانوادگی می‌باشد. در جدول ۱ تمام ویژگی‌های خانوادگی که باعث موفقیت افراد سرآمد در کنکور سراسری شده است درج گردیده و در این قسمت تنها به ذکر چند مورد از مهم‌ترین نقل قول‌ها بسنده خواهد شد. نقل قول اول: "اکثر

واکاوی عوامل موفقیت افراد سرآمد در آزمون سراسری

اقوام درجه یک ما علاقه‌مند به مطالعه و ادامه تحصیل هستند و تعدادی نیز در بهترین دانشگاه‌ها تحصیل می‌کنند. خواهر بزرگترم سال ۸۹ رتبه ۶۰۰ علوم تجربی را کسب کرد، همچنین دختر عمویم در سال ۹۲ رتبه ۲۰۰ را کسب کرد." نقل قول دوم: "خانواده‌ام خیلی شرایط را برای درس خواندن من مهیا می‌کردند و خیلی نسبت به من فداکاری می‌نمودند." نقل قول سوم: "مهم‌ترین دلیلی که باعث شد من از ابتدا به درس اهمیت بدهم خانواده‌ام بود. در اقوامان کسی که از نظر تحصیلی برجسته باشد وجود ندارد، آنهایی که دانشگاه رفته بودند یا دانشگاه آزاد بوده و یا دانشگاه‌های دولتی معمولی. من همیشه در منزل درس می‌خواندم اما از آنجایی که برای مطالعه به فضای خیلی آرامی نیاز دارم خانواده‌ام طبقه دوم خانه را در اختیار من قرار داده بودند." نقل قول چهارم: "اعضای خانواده و آشنایان به طور کلی تحصیل کرده هستند و تعدادی در دانشگاه‌های برجسته مشغول به تحصیل می‌باشند و بعضی نیز در دانشگاه‌های خوب کشورهای خارجی درس می‌خوانند." نقل قول پنجم: "من یک برادر کوچک دارم که نمی‌گذارد در منزل خوب درس بخوانم اما با این وجود مطالعه در منزل را ترجیح می‌دادم زیرا در کتابخانه نمی‌توانم زیاد تمرکز کنم. آخرین ایام قبل از کنکور که استرس داشتم و نمی‌توانستم مزاحمت‌های برادرم را تحمل کنم، مادرم او را غروب‌ها به پارک می‌برد تا بتوانم درس بخوانم. خانواده‌ام خیلی سعی می‌کردند که شرایط را برای من فراهم نمایند؛ از نظر مالی هر آنچه می‌خواستم فراهم می‌کردند، از نظر روحی هم با این که مادرم خیلی استرس داشت تمام تلاشش را می‌کرد تا این استرس را نشان ندهد، با این که قبولی در بهترین رشته و بهترین دانشگاه برایش خیلی مهم بود می‌گفت اصلاً نگران نباش اگر دانشگاه شهرستان هم قبول شدی اشکالی ندارد و یا نهایتاً به یک کشور دیگر می‌رویم تا در هر رشته‌ای که می‌خواهی ادامه تحصیل بدهی و مهم نیست که دیگران چه می‌گویند. و یا این که اگر گاهی اوقات به خاطر استرسی که داشتم بی‌اختیار عصبی می‌شدم من را درک می‌کردند."

با توجه به اطلاعات به دست آمده شغل پدر نقشی در موفقیت نداشته است، زیرا پدران داوطلبان مورد مطالعه از اقشار مختلفی از جمله ناظر کارگاه ساختمانی، معلم، استاد دانشگاه، مهندس عمران، فروشنده، مهندس برق، مهندس معمار و دیگر مشاغل آزاد بوده‌اند اما ویژگی‌ای که بین تمام این مشاغل مشترک است شاید این مسأله باشد که درآمد تمام آنها به حدی هست که بتوانند امکانات نسبتاً مناسبی را برای فرزندشان مهیا کنند. در بین مصاحبه‌شوندگان نیمی درآمد بیش از ۴ میلیون تومان داشته و بقیه بین ۲ تا ۴ میلیون تومان در ماه. البته یک استثنا نیز وجود داشته است اما وضعیت اقتصادی نسبتاً مناسب اکثریت را نمی‌توان نادیده گرفت. در این پژوهش بین عوامل موفقیت حرفی از عامل اقتصادی به میان آورده نشده است اما باید توجه داشت که عامل اقتصادی درون ویژگی‌های خانوادگی گنجانده شده است چرا که مربوط به وضع اقتصادی درون خانواده می‌شود. نکته قابل توجه دیگر این است که وضعیت اقتصادی فقط بخش

کوچکی از ویژگی‌های خانوادگی می‌باشد زیرا برای موفقیت عوامل زیادی وجود دارد که به مراتب مهم‌تر از وضعیت اقتصادی بوده و امکان مهیا کردن آن برای اکثر خانواده‌ها وجود دارد. یکی از مهم‌ترین نتایجی که در این پژوهش به دنبال آن هستیم یافتن راه‌حل‌های کارآمد و قابل تعمیم به دیگران برای موفقیت است. شاید بهبود وضعیت مالی به سادگی امکان پذیر نباشد اما خانواده‌ها می‌توانند شرایط مناسب را برای مطالعه فراهم آورند، فرزندانشان را تحت فشار نگذارند و فشار روانی به آنان وارد نکنند، می‌توانند فرزندانی مسئولیت‌پذیر و قدرشناس تربیت کنند، به تحصیل فرزندشان اهمیت دهند و آنان را تشویق به مطالعه کنند و به فرزند خود ارج نهند. از دیگر نکات ویژگی‌های خانوادگی عدم ارتباط تحصیلات والدین بالأخص مادر با موفقیت این نفرات است. تحصیلات والدین مصاحبه‌شوندگان از سیکل تا دکتری متغیر بود اما نتیجه آزمون سراسری آنان نشان داد که همگی موفق شدند رتبه زیر ۱۰ کشوری را کسب نمایند.

از آنجایی که یافته‌های این پژوهش به‌طور مستقیم از نظرات نفرات برتر آزمون سراسری نشأت گرفته‌است، می‌تواند برای دیگر دانش‌آموزانی که قصد شرکت در آزمون سراسری یا موفقیت در تحصیل را دارند بسیار مفید باشد. بررسی عوامل موفقیت نشان‌داد، که عوامل چندگانه‌ای در موفقیت آنان دخالت داشته است که در ادامه به‌تناسب پیشنهادهایی ارائه شده است:

با توجه به اذعان نفرات برتر آزمون سراسری بر نقش بسزای خانواده در توفیق‌شان در آزمون سراسری، مبتنی بر مطالعات کمی و با استفاده از ظرفیت مدل‌های معادلات ساختاری، سهم هر یک از عناصر مرتبط با عامل خانوادگی، تعیین شود. با توجه به روایت‌های مشارکت‌کنندگان، بخشی از عواملی که باعث موفقیت این افراد شده بود؛ به مدرسه، خانواده و دیگر عواملی که از عهده خود داوطلب خارج بود مربوط می‌گردید؛ از این‌رو لازم است نتایج این پژوهش از طریق افراد ذریبیط به اطلاع عموم مردم رسانده‌شود تا دیگران نیز با استفاده از این نظرات در جهت موفقیت دانش‌آموزان‌شان تلاش کنند.

پیشنهاد می‌شود مبتنی بر یافته‌های پژوهش حاضر، ابزاری استاندارد طراحی شود تا بتوان به وسیله آن بخشی از احتمال موفقیت در آزمون سراسری را پیش‌بینی نمود. همچنین با انجام پژوهش کمی در جامعه‌ای بزرگتر، سهم هر یک از عوامل را به طور دقیق اندازه‌گیری نمود. با استفاده از مطالعه‌ای به روش نظریه برخاسته از داده‌ها، خرده‌نظریه‌ای درخصوص فرایند شکل‌گیری آمادگی در نفرات برتر آزمون سراسری تدوین شود؛ همچنین مبتنی بر مطالعات ژرفانگر، عوامل موفقیت از منظر نفرات برتر آزمون سراسری و نفرات ناموفق در آزمون سراسری مقایسه شود.

با توجه به شناسایی عامل خودانگیختگی به عنوان یکی از عوامل موثر در موفقیت نفرات برتر آزمون سراسری، پیشنهاد می‌شود، علل و زمینه‌های شکل‌گیری عوامل خودانگیختگی در

واکاوی عوامل موفقیت افراد سرآمد در آزمون سراسری

نفرت برتر آزمون سراسری مورد واکاوی قرار گرفته و مبتنی بر آن برنامه‌های لازم برای ارتقای وضعیت موجود دانش‌آموزان، تدرک دیده شود.

با توجه به ظرفیت بالای پژوهش به روش نظریه برخاسته از داده‌ها^۱، پیشنهاد می‌شود، در مطالعه‌ای با رویکرد توصیفی، فرایند موفقیت در آزمون‌های سراسری شناسایی شده و بازنمایی گردد تا از این طریق، ضمن کمک به مشاوران، دانش‌آموزان و والدین برای انتخاب راه صحیح، راه بر هرگونه سوءاستفاده رایج و متداول این روزهای موسسات کنکور که پایشان به گونه‌ای پررنگ در صدا و سیما نیز مشاهده می‌شود، بسته شود و از این طریق زمینه مناسب برای تحقق عدالت آموزشی فراهم آید.

پیشنهاد می‌شود با تحلیل محتوای برنامه‌های رایج صدا و سیما در خصوص کنکور و تبلیغات آن که به طور گسترده از تمامی شبکه‌ها به نمایش گذاشته می‌شود، میزان تناسب بین عوامل شناسایی شده در مطالعه حاضر - که برگرفته از تجربه زیسته و اصیل نفرت برتر کنکور سراسری است - با عوامل معرفی شده از سوی مشاوران تحصیلی در برنامه‌های صدا و سیما، مورد مقایسه قرار گیرد و مبتنی بر آن، روشنگری‌های لازم برای والدین، دانش‌آموزان و معلمان صورت پذیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود با مطالعه‌ای پیگیرانه، سرنوشت تحصیلی و شغلی نفرت برتر یک دهه کنکور سراسری ایران مورد واکاوی قرار گرفته و مبتنی بر آن بازخوردهای سازنده برای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری تدوین شود.

با توجه به اینکه نوع مدرسه نقش بسزایی در موفقیت تحصیلی داشته است، برای تکمیل پژوهش و جمع آوری اطلاعات جامع‌تر شایسته است، ویژگی‌های مدارس نفرت برتر آزمون سراسری نیز با دقت مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد و ویژگی‌های مثبت و منفی این مدارس سنجیده شود و دیگر اینکه بررسی وضعیت این افراد در دانشگاه نیز با همین قدرت به روند موفقیت تحصیلی خود ادامه می‌دهند یا دیگر همکلاسی‌هایشان که در آزمون سراسری رتبه بالاتری را کسب کرده بودند، گوی سبقت را از آنها گرفته اند. با انجام چنین پژوهشی می‌توان فهمید موفقیت این افراد دائمی بوده و یا فقط در مقطع آزمون سراسری "دوپینگ تحصیلی" کرده بودند و بعد از آزمون سراسری در وضعیت تحصیلی آنان افت به وجود آمده است.

منابع

- ابوالحسنی، منصوره؛ و اسمعیلی، معصومه (۱۳۸۹). مقایسه عوامل فردی و محیطی در استعاره های موفقیت رتبه‌های برتر، متوسط و پذیرفته نشدگان آزمون سراسری. *فصلنامه روان شناسی تربیتی*، شماره ۱۷ (۱۶۷-۱۴۷).

¹ Grounded Theory

- امید، مریم (۱۳۸۲). بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی دانشجویان کارشناسی رشته کشاورزی در دانشگاه تهران. *پایان نامه کارشناسی ارشد*. تهران، دانشگاه تهران، کشاورزی.
- بازرگان، عباس (۱۳۸۹). *مقدمه ای بر روش های تحقیق کیفی و آمیخته*. تهران: نشر دیدار، چاپ دوم.
- پارسا، محمد (۱۳۷۰). *روان شناسی یادگیری بر بنیاد نظریه ها*. تهران: انتشارات بعثت، چاپ اول.
- حج فروش، احمد (۱۳۸۱). آسیب های کنکور بر هدف های دوره ی متوسطه و ارائه پیشنهاد برای رفع آسیب ها. *مجموعه مقالات سمینار بررسی روش ها و مسائل آزمون های ورودی دانشگاه ها*. اصفهان.
- حقیقی، حسن؛ و اکبری، نعمت الله (۱۳۸۳). بررسی همگرایی تقاضای اجتماعی آموزش عالی در ایران (۱۳۸۰-۱۳۶۲). *فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران*. شماره ۲۰ (۱۳۴-۱۱۵).
- روان بخش، فرشته؛ اسمعیلی، محمدرضا؛ و آفرینش خاکی، اکبر (۱۳۹۱). مقایسه گذران اوقات فراغت ممتازین کنکور و راه نیافتگان به دانشگاه با تأکید بر فعالیت جسمانی. *نشریه مدیریت ورزشی*. شماره ۱۷ (۹۳-۷۵).
- سبحانی نژاد، مهدی؛ شاه حسینی، نجیبه؛ هاشمی محمدآبادی، مجید؛ خدابنده اوپلی، عباس (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر موفقیت دانش آموزان استان یزد در کسب رتبه نخست ورود به دانشگاه های کشور طی سال های ۱۳۸۴ الی ۱۳۸۸. *فصلنامه مطالعات برنامه ریزی آموزشی*. شماره ۳ (۲۳۴-۱۹۹).
- صالحی، کیوان؛ بازرگان، عباس؛ صادقی، ناهید؛ شکوهی یکتا، محسن (۱۳۹۴). *بازنمایی ادراکات و تجارب زیسته معلمان از آسیب های احتمالی ناشی از اجرای برنامه ارزشیابی توصیفی در مدارس ابتدایی*. *فصلنامه مطالعات اندازه گیری و ارزشیابی آموزشی*. ۵ (۹)، ۵۹-۹۹.
- عابدی، احمد (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین انگیزش پیشرفت اسناد علمی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع متوسطه شهر همدان. *پایان نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- عزیزی، نعمت الله (۱۳۸۷). بررسی چالش ها و نارسایی های تحصیلات دانشگاهی در حوزه علوم انسانی، تأملی بر نظرات دانشجویان. *فصلنامه آموزش عالی ایران*. شماره ۲ (۲۹-۱).
- قاضی، قاسم (۱۳۷۳). *زمینه مشاوره و راهنمایی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

واکاوی عوامل موفقیت افراد سرآمد در آزمون سراسری

- کاظمی پور، م (۱۳۷۴). عوامل موثر بر موفقیت دانشجویان. *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*. سال ۳، شماره ۳ و ۴.
- محمدنژاد عالی زمینی، یوسف (۱۳۸۳). *دایره المعارف آموزش عالی*. جلد دوم. تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
- نوربخش، سید مرتضی؛ حائری، مجید (۱۳۹۰)، مطالعه جامعه شناختی موفقیت در کنکور، *نامه آموزش عالی*، شماره ۱۵، صص ۳۳-۵۷
- نوغانی، محسن؛ آهنچیان، محمدرضا؛ و رفیعی، محمدتقی (۱۳۹۰). تأثیر سرمایه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر موفقیت در آزمون سراسری ورود به دانشگاه. *فصلنامه جامعه شناسی آموزش و پرورش*. شماره ۱، (۲۱۸-۱۹۱).
- نیک نژاد، عبدالحسین (۱۳۸۱). دانشگاه ویژه روشی نو در پذیرش دانشجو. *مجموعه مقالات سمینار بررسی روش ها و مسائل آزمون های ورودی دانشگاه ها*. اصفهان.
 - Annis, L. F. (1983). The processes and effects of peer tutoring. *Human Learning*, 2, 39-47.
 - Bargh, J. A., and Schul, Y. (1980). On the cognitive benefits of teaching. *Journal of Educational Psychology*, 72(5), 593-604.
 - Beyene, K.M.; Yimam, J.A. (2016). Multilevel Analysis for Identifying Factors Influencing Academic Achievement of Students in Higher Education Institution: The Case of Wollo University, *Journal of Education and Practice*, v7 n13 p17-23
 - Borus, M. E., & Carpenter, S. A. (2000). Factors Associated with College Attendance of High School Seniors. *Economic of Education Review*. No. 3 (76-169).
 - Bryan, G., & Heather, H (2016). Research Says/The X Factor in College Success, *Educational Leadership*, v73 n6 p77-78
 - Cappellari, L. (2004) High school types, academic performance and early labour market Outcomes. IZA discussion paper, No.1048.
 - Estridge, W. (2009). School influence on student attendance and engagement in learning. University of Toronto (Canada), p. 252.
 - Fabunmi, M., Brai-Abu, P., & Adeyinka adeniji, I. (2007). Class factors as determinats of secondary school student's academic performance in Oyo state Nigeria. *J. sec. sci.* 14(3). (243-247).
 - Fonseca, J. M. B., & Conboy. J. E. (2006). Secondary Student perceptions of Factors Effecting Failure in Science in Portugal. *Eurasia Journal of Mathematics, science and technology Education*. 2(2).
 - Garton, B. L., Dyer, J. E., & King, B. O. (2001). Factors associated with academic performance and retention of college agriculture students. *NACTA journal*, 45(1). (21-27).

- Grant, R. (2005). A phenomenological investigation into lecturers understanding of themselves as assessors at Rhode University, Rhodes university graham-stwn education department.
- Hamp-Lyons, L. (2001). Fairness in language testing. In A. J. Kunnan (Ed.), *Fairness and validation in language assessment*, Studies in Language Testing 9 (pp. 99–104). Cambridge, England: Cambridge University Press.
- Johnson, D. W., Maruyama, G., Johnson, R., Nelson, D., and Skon, L. (1981). The effects of cooperative, competitive, and individualistic goal structures on achievement: A meta-analysis. *Psychological Bulletin*, 89, 47–62.
- Pallud, J. (2009). The application of a phenomenological framework to assess user experience with museum technologies, 17th European conference on information systems
- Panayiotis, A (2012). The Short- and Long-Term Effects of Secondary Schools upon Students' Academic Success and Development, *Educational Research and Evaluation*, v18 n7 p621-639
- Payandeh Najafabadi, A.T.; Najafabadi, M.; Farid-Rohani, M.R. (2013). Factors Contributing to Academic Achievement: A Bayesian Structure Equation Modelling Study, *International Journal of Mathematical Education in Science and Technology*, v44 n4 p490-500
- Rood, D. (2004). *Scholastic – Success*, Available at: <http://www.ca.uky.edu>
- Scott, J. (2004). Family, Gender, and Educational Attainment in Britain: A Longitudinal Study. *Journal of Comparative Family Studies*. 35(4). (565-589.)
- Showers, A.H.; Kinsman, J.W. (2017). Factors That Contribute to College Success for Students with Learning Disabilities, *Learning Disability Quarterly*, v40 n2 p81-90
- Stobart, G. (2005). Fairness in multicultural assessment systems. *Assessment in Education*, 12, 275–287.
- Suskie, L. (2000, May). Fair assessment practices. *AAHE Bulletin*.
- Wells, T. (1995). Does Family Background Affect Educational Attainment Differently According to Family Structure, Birth Order, and Sex?. NSFH Working Paper No. 70. Madison, WI: Center for Demography and Ecology, University of Wisconsin-Madison.
- Wyss, V.L. Tia, R. H., & Salder, P. M. (2007). High school class- size and college performance in science. *The high school journal*. 90(3.)
- Zimmer-Gembeck, M. J., Chipuer, M. H., Hanisch, P. A., & McGregor. L. (2006). Relationship at school and stage-environment fit as resources for adolescent engagement and achievement. *Journal of Adolescence*. No 29, 911-933.